

بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷

محمد مظلوم خراسانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*
محسن نوغانی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
محمد رضا خلیفه، کارشناس ارشد علوم اجتماعی

چکیده

این پژوهش در راستای رسیدن به این هدف است که در شهر مرودشت مشارکت اجتماعی در چه اندازه و تحت تأثیر چه عواملی است. فرضیه‌های این تحقیق براساس نظریه‌های انتخاب عقلانی، انگیزش مازلو، کنش متقابل ساختار بندی آنتونی گیدنز، دال، لرنر و هانتینگتون استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل افراد ۱۸-۶۵ ساله‌ی ساکن شهر مرودشت است که به صورت تصادفی انتخاب شدند و حجم نمونه ۳۸۵ نفر محاسبه شد. روش تحقیق پیمایشی بوده، داده‌ها به کمک پرسشنامه جمع‌آوری شده است. این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس، آزمون ضریب همبستگی و رگرسیون به نتایج ذیل رسید: متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایت‌مندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته‌ی مشارکت اجتماعی دارای رابطه‌ی معناداری بوده‌اند. در نهایت، از بین متغیرهای مستقل، متغیر درآمد در تغییرات مشارکت بیشتر مؤثر بوده است و به ترتیب، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و استفاده از رسانه‌های گروهی در مشارکت تأثیرگذار بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، مشارکت اجتماعی - شهروندی، بیگانگی سیاسی، قدرت رسانه‌های جمعی

مقدمه

مشارکت اعتماد است، لذا اعتماد و میزان مشارکت در ارتباط متقابل هستند (رز، ۱۹۹۹: ۷۸).

با در نظر گرفتن افزایش جمعیت در قرن‌های اخیر به علت رعایت اصول بهداشتی و درمانی و تغذیه‌ی مناسب، شاهد افزایش و گسترش شهرها هستیم؛ به طوری که در دهه‌های اخیر جمعیت شهرنشینان بیشتر از روستانشینان بوده است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

افزایش جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر، تراکم جمعیتی را در شهرها به دنبال داشته که خود مسائل متعدد شهری را فراهم کرده است. مسائل و نیازهای شهروندان در مورد مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و ... به شناخت علمی نیاز دارد تا زمینه‌ی برقراری ارتباط منطقی و صحیح بین نهاد خدمت‌رسان به شهروندان و خود شهروندان را فراهم سازد و اعتماد بین مدیریت شهری و شهروندان را تقویت کند. مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌تواند در برنامه‌ریزی اقتصادی، کاهش هزینه‌ی خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری و افزایش رضایت شهروندان تأثیرگذار باشد.

مشارکت اجتماعی باعث توسعه و ضامن حرکت و پویایی یک جامعه می‌گردد. از نظر قدمت، مرودشت شهری جدیدالتأسیس است. احداث کارخانه‌ی قند در سال ۱۳۱۴، زمینه‌ی جذب نیروی کار و مهاجرت از دیگر نقاط به این شهر را فراهم کرد و این شهر پس از هفت دهه جمعیتی در حد ۱۳۰ هزار نفر دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). افزایش سریع جمعیت در کوتاه‌مدت باعث شد که مسائل شهری مانند مسکن، بهداشت، کمبود فضای سبز، آلودگی هوا، بیکاری و ... تشدید شده، نارضایتی مردم را به دنبال داشته باشد. گسترش فیزیکی مرودشت و کمبود خدمات شهری مشکلات و معضلاتی را برای مردم پدید آورده است،

یکی از ویژگی‌هایی که برای انسان ذکر کرده‌اند، روحیه‌ی جمعی و بالطبع اجتماعی بودن اوست؛ چنانکه خاستگاه جامعه، نیاز انسان به همکاری و معاضدت بوده است. انسان نیازهای خود را در ارتباط با دیگران و در شبکه‌ی روابط اجتماعی برطرف می‌کند. او با کمک عموعانش توانست بر طبیعت چیره شود، اما گسترش جوامع باعث شد که روز به روز به حجم نیازهایش افزوده گردد.

زندگی انسان از ابتدای تاریخ با مشارکت^۱ همراه بوده، بدون آن هیچ گونه فعالیت مفید اجتماعی شکل نمی‌گیرد. اهداف اجتماعی بدون روحیه‌ی همکاری و مشارکت جنبه‌ی عملی پیدا نمی‌کند. در کتب آسمانی بر تعاون و همکاری تأکید و از تک‌روی انسان نهی شده است. تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی بدون روحیه‌ی مشارکت غیرممکن بوده، به تضعیف روابط منجر خواهد شد. حضور و شرکت افراد در امور جامعه باعث افزایش احساس یگانگی، سعه‌ی صدر و تسامح و تساهل گردیده، در نتیجه، نهادهای مدنی و مردم سالار تقویت خواهند شد. مشارکت و تقویت روحیه‌ی جمعی، کاهش روحیه‌ی قومیت‌گرایی و تقویت عام‌گرایی را موجب می‌شود. بسیاری از امور از سوی خود مردم اداره می‌شود و در عمل حجم فعالیت‌های دولت کاهش می‌یابد. میزان مشارکت در یک جامعه، سطح توسعه یافتگی را نشان می‌دهد. تنوع مشارکت اجتماعی در گرو بسط الگوهای تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل اجتماعی دموکراتیک و کثرت‌گراست. بدیهی است در عرصه‌های غیردموکراتیک حضور عامه در مشارکت اجتماعی مفهومی نارساست. از آنجا که یکی از عوامل مهم در

¹ Participation

بی تفاوتی و فاقد مشارکت به سر می‌برد و از حق شهروندی خود استفاده نمی‌کند. اهمیت موضوع زمانی آشکار می‌شود که مشخص شود چه عواملی اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی بر رفتار مشارکتی مردم تأثیرگذار هستند و این عوامل چگونه زمینه‌ی انفعال را فراهم می‌کنند.

سؤال‌ها و اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، بررسی توصیفی و تبیین میزان مشارکت اجتماعی مردم ساکن شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی چه تأثیری بر میزان مشارکت اجتماعی مردم مرودشت دارند. در تبیین عوامل اجتماعی می‌توان اعتماد اجتماعی، احساس تعلق شهری و محل سکونت در شهر را نام برد؛ در تبیین عوامل فرهنگی: میزان تحصیلات، اعتماد به حقوق شهروندی، خویشاوندگرایی و استفاده از رسانه را می‌توان ذکر کرد؛ در تبیین عوامل سیاسی: دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی و رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهر؛ در تبیین عوامل اقتصادی، شغل، درآمد و وضعیت مسکن و در تبیین عوامل جمعیتی: سن، جنس، تأهل و ابعاد خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی مردم شهر مرودشت بررسی شده‌اند.

تعریف مفاهیم

مشارکت: مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در گروه‌های اجتماعی و سیاسی برای اداره‌ی امور منطقه‌ای یا ملی در تمام مراحل برنامه‌ریزی و اجرا و به‌ویژه تصمیم‌گیری در این امور را مفهوم مشارکت می‌گویند.

اما تاکنون اقدامات مؤثری در خصوص استفاده از مشارکت مردمی در جهت رفع این مشکلات انجام نگرفته است، لذا در این مقاله سعی شده است میزان مشارکت اجتماعی مردم شهر مرودشت سنجیده و عوامل مؤثر بر آن شناسانده شوند.

ضرورت تحقیق

همیاری و همکاری و همدلی باعث انسجام کار گروهی و جمعی می‌شود، بنابراین، مشارکت مردم در امور مربوط به خودشان آثار مثبتی را به دنبال خواهد داشت. در سطح منطقه‌ای به بهبود زندگی، وفاق جمعی، پیشرفت سریع امور، نظارت بر نهادهای دولتی و در نتیجه، کنترل عمومی نسبت به عملکرد مسئولان و برنامه‌های عمرانی و افزایش احساس مسئولیت مردم در قبال مشکلات شهری و همیاری و همفکری در رفع این مسائل منجر خواهد شد. برخی از اندیشمندان دست‌آوردهای مشارکت اجتماعی را در توزیع سریع و همگانی اطلاعات، جهانی شدن، اهمیت یافتن جایگاه انسان و حقوق بشر، صرف نظر از نوع، نژاد، جنس، رنگ، عقیده و لزوم هماهنگی با تغییرات محیط با تحول و پرشتاب ملی و جهانی و از بین بردن حاشیه‌نشینی و ایجاد انگیزه در افراد، تقویت حس مالکیت، کاهش چالش‌های گروهی و سیاسی، افزایش سطح کیفی زندگی و رشد اقتصادی و شکوفایی استعدادها و ارزش‌های انسانی می‌دانند.

البته، رشد شهرنشینی و کسب علم و رفاه اقتصادی ممکن است به نوعی کاهش گرایش مشارکت اجتماعی منجر شود که امری مثبت تلقی نمی‌شود. بیگانگی اجتماعی در بین جوانان متناسب با رشد شهرنشینی تأثیرات منفی بر مشارکت افراد می‌گذارد. انسان به مشارکت اجتماعی تمایل دارد و دارای توانایی ارائه پیشنهادات کارآمدی است. اما گاهی در یک حالت

فرصت برای تأثیر گذاشتن و سهمیم شدن دو جانبه در تأثیرگذاری، ارضای نیازهای مردم در رابطه‌ی همکاری با دیگران و سهمیم شدن در ارتباطات عاطفی که به روابط مثبت منجر می‌شود (Mcmillan & Charis, 1986).

آلن بیرو^۱ مشارکت را به عنوان حالت یا وضع و به نوعی دیگر عمل و تعهد دانسته است.

مشارکت نوع اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در آن خبر داده، در نوع دوم معنای شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی منجر می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷).

فرنج مشارکت را جریانی تأثیرگذار متقابل بین دو گروه در تصمیم‌گیری برنامه‌ها می‌دانست (دری نوگورانی، ۱۳۶۹: ۳۶).

اریک فروم^۲ مشارکت را انتخاب و تا حد زیادی ابراز افکار و خواسته‌های خود دانسته، آن را تبعیت و هم‌رنگ شدن با دیگران نمی‌داند، بلکه انتخاب آزادانه‌ای می‌داند که به تقویت مشورت منجر شود (فروم، ۱۳۶۰: ۱۵۹).

آلن پیرفیت^۳ مشارکت را مشورت پیش از تصمیم‌گیری می‌داند، به گونه‌ای که اظهار نظر و اعمال مراقبت در جریان اجرایی آن وجود داشته باشد.

استوارت میل^۴ موفقیت حکومت‌ها را در مشارکت افراد جامعه با دولت می‌داند. کانر^۵ در مشارکت فرد را متأثر از تصمیم جمع می‌داند و بر تصمیم‌گیری جمع اعتماد دارد و احتمال خطا را کم می‌داند (Conner, 1992: 219).

مشارکت را جزئی از حقوق مدنی انسان‌ها به شمار آورده‌اند و آن امری تحمیلی یا دعوتی نیست، بلکه آن را اعطای قدرت فراگیر به گروه‌های ضعیف دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۰: ۷). مشارکت در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی، تمام ابعاد زندگی را شامل می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۵۲۱). مشارکت امری ارادی است که افراد یک جامعه به طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن زندگی مسؤولیت‌های مختلف را تقبل کرده، در آن شرکت می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۳۵).

مشارکت شکلی از همکاری و معاضدت با دیگران را بنا به میل باطنی و با نیت زندگی بهتر که فرد آگاهانه تقبل کرده است، گویند (احسن، ۱۳۶۵: ۱). مشارکت را فرآیندی می‌دانند که شرکت‌کنندگان در برنامه‌ریزی و خط‌مشی کلی و تصمیمات بر تصمیم‌گیرندگان یا موکلین آنها، یکدیگر را متأثر می‌سازند (محمدزاده، ۱۳۶۹: ۵۰). مشارکت مبنی بر میل باطنی است، پس وادار کردن مشارکت محسوب نمی‌شود. همچنین، به مشارکت مردم بدون سازماندهی مناسب و به شکل خودبه‌خودی مشارکت گفته نمی‌شود.

هنگامی که اعضای جامعه بتوانند در تدوین سیاست‌ها و طرح‌ها شرکت کنند؛ به طوری که بر محیط زندگی آنها تأثیر بگذارد، مشارکت پدید آمده است (Whittick, 1979: 850).

واندرسمن هم مشارکت را فرآیندی می‌داند که اعضا در تصمیم‌گیری در نهادها، برنامه‌ها و تأثیرات این تصمیم‌گیری، شریک باشند (Wandersman, 2000).

مشارکت اجتماعی نوعی ادراک اجتماعی است که مک‌میلان و چیوز در چهار بعد در نظر گرفته‌اند: عضویت به معنی احساس تعلق به بخشی از جامعه،

¹ Alain Birou

² Erik Fromm

³ Alain Pirfit

⁴ S.Mill

⁵ Conner

رضایتمندی: به این معناست که عملکرد مسؤولان شورای شهر و شهرداری مورد توجه شهروندان است.

احساس تعلق شهری: منظور این است که فرد به محیط شهری عادت کرده، به آن افتخار می‌کند.

پیشینه‌ی تحقیقات داخلی

تحقیقات گذشته به پژوهشگر کمک می‌کند که در کار تحقیقی خود، محاسن و معایب کارهای گذشته را به دقت بازبینی کند و از آنها بهره گیرد. در مجموع، در بررسی‌های انجام شده، مشارکت اجتماعی به عنوان یک ضرورت در جامعه‌ی شهری مطرح شده است که عوامل بسیار زیادی در رشد و تقویت آن تأثیرگذارند.

در پژوهش‌های شرفخانی (Sociology of iran.com.1385) و شیانی (۱۳۸۱: ۸۰-۶۰) و شفییعی (۱۳۸۵) به سن، جنس، شغل، تحصیلات، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر امور شهری، سنت‌گرایی، رضایت از خدمات شهری و عضویت در تشکل‌ها، به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی اشاره شده است. در پژوهش خود متین (۱۳۷۸) مشارکت را چند بعدی دانسته، معتقد است که مبانی روان‌شناختی، رضایتمندی، رفع نیازهای انسان، نیاز انسان به مشارکت و سلامت روانی و انگیزش، به شکل علاقه و نفرت در مشارکت تأثیرگذار است.

عاصمی (۱۳۷۹) روحیه‌ی جمع‌گرایی را در ایران ضعیف دانسته، اشاره می‌کند که انتقادپذیری فردگرایی را کاهش داده، جمع‌گرایی را تقویت می‌کند.

شیخاوندی (۱۳۷۹: ۴۲) به نفس و عملکرد شوراها در تقویت مشارکت در کشورهای صنعتی اشاره کرده و نوشته است در این کشورها همبستگی حزبی و شهروندی با هم آمیخته شده و شرکت در

گائوتری مشارکت را پدیده‌ای چند بعدی می‌داند که هدف آن کشاندن همه‌ی مردم به ایفای نقش در مراحل توسعه است، (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳).

گارد و بیسر مشارکت را تعهد مشترک در پرداختن به مسائل توسعه بر مبنی تقسیم توافقی وظایف و مسؤولیت‌ها تعریف کرده است (قاسم‌نژاد، ۱۳۸۶: w.w.w.Iran PM.Com).

لرنر^۱ همدلی افراد را باعث تقویت مشارکت اجتماعی دانسته، معتقد است که شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای و انتخاباتی در تعامل متقابل اند. گسترش نهادهای اجتماعی باعث افزایش فعالیت افراد در جامعه می‌شود و از نظر روانی، شخصیت مدرن در مقایسه با شخصیت سنتی مشارکت بیشتری دارد (زارع، ۱۳۷۲: ۴۰۵).

هانیتنگتون عوامل مهم نوسازی را مبنی بر اقتدار خردمندان، تمایزپذیری ساخت‌ها و گسترش مشارکت اجتماعی - سیاسی می‌داند (هانیتنگتون، ۱۳۷۵: ۱۸۶).

شهروندی موقعیتی است که به همه‌ی افرادی که عضو کامل جامعه هستند، اعطا می‌شود و تمام این افراد جایگاه خاص حقوقی و وظایف متناسب با این جایگاه را دارند. حقوق و وظایف شهروندی را نیز قانون تعریف و حمایت می‌کند.

اعتماد اجتماعی: اعتماد حالتی ذهنی است که فرد در زندگی مدنی خود، تعاون، مدارا و همکاری با دیگران را احساس می‌کند و اعتقاد دارد که دیگران در زندگی به او کمک می‌کنند (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۱۱).

بیگانگی سیاسی: حالتی است که سرخوردگی و دلزدگی در امور سیاسی را برای فرد فراهم می‌کند و به نوعی عدم درگیری یا درگیری منفی فرد است که حالت بدگمانی نسبت به امور سیاسی را به همراه دارد.

¹ Lerner

پیشینه‌ی تحقیقات خارجی

در بخش تحقیقات خارجی، الکس انکلس^۱ در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های اجتماعی - روان‌شناختی شهروند مشارکت جو پرداخته و دریافته است، افرادی که دارای آگاهی سیاسی بالا هستند، مشارکت آنها در فعالیت‌های سیاسی مذهبی زیاد است (محسنی، ۱۳۷۵).

بحری و سیلور (Bahry & Silver, 1993: 201) به مطالعه در دوره‌ی گورباچف پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت و مشارکت اجتماعی آنها به انگیزه‌های افراد بستگی دارد. افراد منتقد که از زندگی خود راضی هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که علاقه به امور سیاسی نداشته باشند یا طرفدار آزادی و عدم کنترل دولت بر آزادی‌های مدنی و اقتصادی باشند.

دانیل لرنر در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه، مدلی ساخته است که به مشارکت منجر شده است؛ از شهرنشینی که باعث افزایش سطح سواد و مشارکت رسانه‌ای گردیده و در نهایت به افزایش مشارکت اجتماعی - سیاسی منتهی می‌گردد (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۷).

ایلین و لندن در تحقیق خود در آمریکا به این نتیجه رسیدند که عزت نفس شخصی و آگاهی نژادی با مشارکت اجتماعی و سیاسی رابطه‌ای معنادار و مثبت دارد، همچنین، سن، تحصیلات، درآمد با مشارکت رابطه‌ی معناداری دارد (کسالایی، ۱۳۸۱).

نلسون و هانتینگتون (Huntington & Nelson) توسعه را از مجرای تحرک اجتماعی و مجرای سازمانی می‌دانند.

در بحث تحرک اجتماعی، متغیرهای منزلتی میزان سواد و تحصیلات بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی

شوراها زمینه‌ی ارائه نظر و تصمیم‌گیری در مسائل اجتماعی را به شکل انتخاباتی فراهم کرده است.

علوی تبار (۱۳۷۹) دو متغیر احساس بی‌قدرتی و هزینه‌ی فایده‌ی مشارکت را در مشارکت اجتماعی مهم دانسته است. همچنین متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات، سن، قومیت‌ها و روابط سنتی و اخلاقی را در مشارکت مؤثر دانسته است. مشارکت از نظر وی، سهم شدن و شایسته دانستن مردم در قدرت و تصمیم‌گیری است. ذکائی (۱۳۸۲) در کار تحقیقی بین جوانان شهر تهران، تصورات از شهروندی و مشارکت در امور اجتماعی را بررسی کرده و تأثیرپذیری شهروندان را بیشتر از تأثیرگذاری در تحولات اجتماعی و نقش مشارکتی را کم‌رنگ دانسته است. وظایف شهروندان را رعایت هنجارها و مقررات دانسته و گفته است پاسخ‌گویی که در این تحقیق سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی بیشتری داشتند، میل به مشارکت نیز در آنها بیشتر بود (ذکائی، ۱۳۸۲).

در کار تحقیقی دیگری که درباره‌ی میزان و تمایل دانشجویان به مشارکت اجتماعی در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه فردوسی انجام شد، مشخص شد که هر اندازه محیط دانشگاهی با علائق و نیازهای دانشجویان مطابقت بیشتری داشته باشد، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد و مهارت اجتماعی، تصور از خودبستگی، نگرش به انجمن‌ها و شکل‌های موجود، همچنین متغیرهای جنسیت (پسر)، کار ضمن تحصیل، رشته‌های علوم انسانی، ترم تحصیلی، تجربه‌ی مشارکت قبلی، محیط خانوادگی، رضایت از تحصیل، جلسات پرسش و پاسخ، تطابق دیدگاه سیاسی و اجتماعی دانشجویان با نظام و همچنین با مشارکت اجتماعی رابطه‌ای معنادار دارند (www.iranculture.org).

¹Alex Inkeles

داوطلبانه در سازمان‌ها را بررسی کرده است (Hooghe, 2003: 47-69).

همچنین پوتنام^۴ در روستاهای هند به این نتیجه رسید که نهادها و سرمایه‌ی اجتماعی با یکدیگر در حمایت از مشارکت فعال همکاری داشته‌اند (Krishna, 2002: 437).

بریچفیلد^۵ (۱۹۹۴) رفتار اجتماعی و مشارکت اجتماعی را از دیدگاه روان‌شناختی بررسی کرده و نتیجه گرفته است کسانی که با مسائل اجتماعی درگیر نیستند، اضطراب و تنهایی بیشتر و عزت نفس کمتری دارند.

تحقیقی توسط دالمانز و همکارانش درباره‌ی مشارکت اجتماعی و افراد فاقد تکلم انجام شد و در نتیجه یکپارچگی اجتماعی و انجام فعالیت‌های روزمره‌ی این افراد مناسب تشخیص داده شد و مشخص گردید که آنها با مشارکت اجتماعی رابطه‌ی مثبت داشته‌اند (دالمانز، ۲۰۰۸).

در تحقیق دیگری در اندونزی اثبات شد که مشارکت اجتماعی و عمومی در بین روستاییان به ترکیب ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای آنها بستگی دارد و از دو نظریه‌ی انتخاب عقلانی و اقتصاد اخلاقی در این تحقیق استفاده شده است (Hamid, 1996).

در تایوان موضوع مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی از سوی کوو و همکارانش (۲۰۰۸) بررسی و نتیجه گرفته شد که کنش متقابل مطلوب در خانواده بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار بوده، باعث افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود.

دارند و مجرای سازمانی به معنی عضویت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (رضائی، ۱۳۷۵).

گتیلمن و دیفرانسیسکو^۱ در مطالعات خود در روسیه به رابطه‌ی بین مشارکت و اعتماد به سایر شهروندان و همچنین نظام اشاره کرده‌اند. هنگامی که فرد احساس کند کارکردهای نظام منافع او را تأمین نمی‌کند، به افراد مجری نزدیک می‌شود، نه سیاستگذاران. بنابراین، به مکانیسم‌های سازش کارانه بها داده می‌شود و مانع فرهنگ سیاسی - اجتماعی متکی بر روابط جمعی می‌شود و اجتماع سنتی را تقویت می‌کند (Difrancesico & Gitelman, 1984: 609-611).

در تحقیقی دیگر توسط دیکستار (Dykstar) در آلمان مشارکت اجتماعی و سن مطالعه و نتیجه گرفته شد که فعالیت با افزایش سن در سازمان‌ها کاهش می‌یابد و تفاوت‌هایی در منابع اقتصادی و اجتماعی در کاهش مشارکت نقش ایفا می‌کنند. در مقابل، فقط با افزایش سن مشارکت در فعالیت‌های مذهبی افزایش می‌یابد (Dykstar, 1995: 59, 78-79).

مارتین لیپست^۲ با مطالعه در کشورهای مختلف، متغیرهای جنس، سواد، شهرنشینی، سن، وضعیت تأهل، منزلت بالای اجتماعی و عضویت در سازمان‌های غیردولتی را به عنوان عوامل مهم در ایجاد و افزایش مشارکت اجتماعی دانسته است (رسول‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۶).

هوگ^۳ در مطالعه‌ای نقش سرمایه‌ی اجتماعی در استقرار فرهنگ سیاسی مردم سالار و مشارکت

¹ Difrancesico & Gitelman

² M.lipest

³ Hooghe

⁴ Putnam

⁵ Birchfield

چارچوب نظری

نظریه‌ی انتخاب عقلانی

یکی از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی که می‌توان آنها را به مشارکت اجتماعی ربط داد، نظریه‌ی انتخاب عقلانی معتقد است که انسان‌ها وقتی دلائلی برای شکست می‌بینند، از انجام آن دست برمی‌دارند. همچنین، انسان‌ها بر مبنای محاسبه‌ی عقلانی برای انجام کاری اقدام می‌کنند، هر چند ممکن است که پیامد آن نتایج عقلانی در بر نداشته باشد (Turner, 2003: 341).

نظریه‌ی نیاز

نظریه‌ی نیازها و انگیزش، نیازهای انسان را به اولیه (مادی) و ثانویه (اجتماعی) تقسیم می‌کند. در نیاز ثانویه هم‌نشینی با دیگران یا مورد علاقه‌ی دیگران قرار گرفتن را می‌توان ذکر کرد. از بین صاحب‌نظران نظریه‌ی مازلو^۲ را می‌توان نام برد. مدل مازلو سلسله مراتب نیازها را به ترتیب فیزیولوژی، امنیت، تعلق به اجتماع، احترام و خودیابی می‌داند که زمینه‌ی انگیزش را فراهم می‌کند و نیازهای اولیه باید برطرف شوند تا نیازهای بعدی ظاهر گردند (مازلو، ۱۳۶۷: ۷۴).

نظریه‌ی منابع

رندال کالینز^۳ مشارکت اجتماعی را فرصتی برای کنش متقابل بین افراد و جزئی از رفتار اجتماعی می‌داند (ریتزر، ۱۳۷۹: ۶۰۹).

از نظر کالینز افرادی واجد داشتن قدرت بیشتر نسبت به دیگران هستند که منابع بیشتری نیز در بازار کنش‌های متقابل در اختیار داشته باشند (Collins, 2003: 359).

همچنین، دارای سرمایه‌ی فرهنگی و انرژی احساسی باشند که باعث نوعی قدرت انگیزشی می‌شود و آنها را به صحبت با برخی وادار کرده از برقراری ارتباط با برخی دیگر باز می‌دارد (همان: ۳۶۱).

نظریه‌ی کالینز در تبیین عوامل مهم در مشارکت اجتماعی مهم تلقی شده، از دل این نظریه می‌توان متغیرهایی چون داشتن قدرت سیاسی و خاستگاه شهری را بر حسب دارا بودن فرصت‌ها بیرون کشید و بیگانگی سیاسی، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق شهری و خویشاوندگرایی را بر حسب انرژی احساسی، میزان تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها به عنوان سرمایه‌ی فرهنگی در نظر گرفت.

نظریه‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی

بنا به نظریه‌ی هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی از فرایند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی پیروی می‌کند. این فرآیند از طریق تحرک اجتماعی و کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت کرده، و نگرش فرد را نسبت به تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌سازد و زمینه‌ی مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. همچنین فرایند توسعه از طریق سازمانی بر مشارکت اثر می‌گذارد. عضویت فرد در سازمان‌ها، احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند و در جوامعی که تحرک اجتماعی محدود است، بی‌قدرتی به عنوان متغیر مداخله‌گر بر مشارکت

¹ Turner

² Maslow

³ Collins, R

نظریه‌ی مبادله

از نظریات دیگر می‌توان به نظریه‌ی پیتر بلاو (Peter Blau) اشاره کرد: پیتر بلاو به نظریه‌ی مبادله جنبه‌ی اجتماعی بیشتری داده است و اصل عقلانیت را با اقدام سودآور مرتبط دانسته و گفته است اقدام با فایده احتمال تکرار بیشتری دارد. اصل داد و ستد بدین معنی که هر اندازه پاداش‌های بیشتری رد و بدل شوند، احتمال داد و ستد هم بیشتر می‌شود و اصل مجازات در راستای این است که فردی که به هنجار مبادله توجه نمی‌کند، مورد مجازات طرف مقابل قرار می‌گیرد و اگر اصل عدالت در مبادله رعایت شود، طرفین از مبادله راضی بوده، آن را برحق تلقی می‌کنند و نظریه‌ی مبادله کل نظام اجتماعی را در قدرت، اقتصاد، نمادها و فرهنگ در بر می‌گیرد (Turner, 1998: 271-275). از نظر بلاو، مشارکت اجتماعی باید براساس سیستم روابط اجتماعی و قواعد رفتاری بررسی شود. وی به دنبال یافتن این پرسش‌هاست که ملاک‌هایی که افراد به عنوان سودمند بودن همکاری و مشارکت در عرصه‌ی عمومی در نظر می‌گیرند، چیست؟ چه رفتاری تجاوز به قواعد و آداب اجتماعی تصور می‌شود؟ رعایت قوانین از طریق شهرداری و شوراهای انجام می‌شود یا نه؟ و آیا همکاری با شهرداری و شورای شهر سودمند است یا خیر؟

در نتیجه، درباره‌ی عوامل اجتماعی و سیاسی از نظریات هانتینگتون و مازلو و درباره‌ی عوامل فرهنگی از نظریه‌ی کالیز و در باب عوامل اقتصادی از کلندرمن، ترنر و پتر بلاو و همچنین گیدنز استفاده کرده و عوامل جمعیتی به عنوان متغیر فردی مد نظر وی بوده است.

اثر می‌گذارد (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۴۶). همچنین هانتینگتون بر تحصیلات و درآمد به عنوان عامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی تأکید کرده است (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۴۶).

نظریه‌ی انتظار

کلندرمن^۱ در خصوص مشارکت مدل ارزش انتظار را مطرح می‌کند و آن را به دو مؤلفه‌ی بسیج آگاهی و بسیج کنش تقسیم می‌کند. کلندرمن برای مشارکت در کنش جمعی به سه انگیزه اشاره می‌کند: ۱- انگیزه‌ی هدف؛ ۲- انگیزه‌ی اجتماعی؛ ۳- انگیزه‌ی پاداش. وی انگیزه‌های اجتماعی را در چارچوب واکنش دیگران در عمل مشارکت مهم می‌بیند (کلی و برین لینگر، ۱۹۹۶: ۳۴-۳).^۲

نظریه‌ی ساختار بندی

همچنین، نظریه‌ی ساختار بندی گیدنز^۲ در فهم مشارکت اجتماعی، از اهمیت برخوردار است. گیدنز بر قوانین و منابع در اختیار کنشگران در کنش متقابل تأکید می‌کند. افراد از قوانین روزمره استفاده کرده، از آنها به عنوان ابزار در رسیدن به هدف سود می‌جویند. منابع می‌تواند درآمد، شغل، مسکن، محل سکونت در شهر و یا وضعیت تأهل و سن باشد. رضایتمندی مردم از مسؤولان در شهر، اعتقاد به حقوق شهروندی، وابسته به برداشت‌ها و تفاسیر مردم نسبت به قوانین موجود در جامعه و کارآمدی آنهاست (گیدنز، ۱۳۷۳).

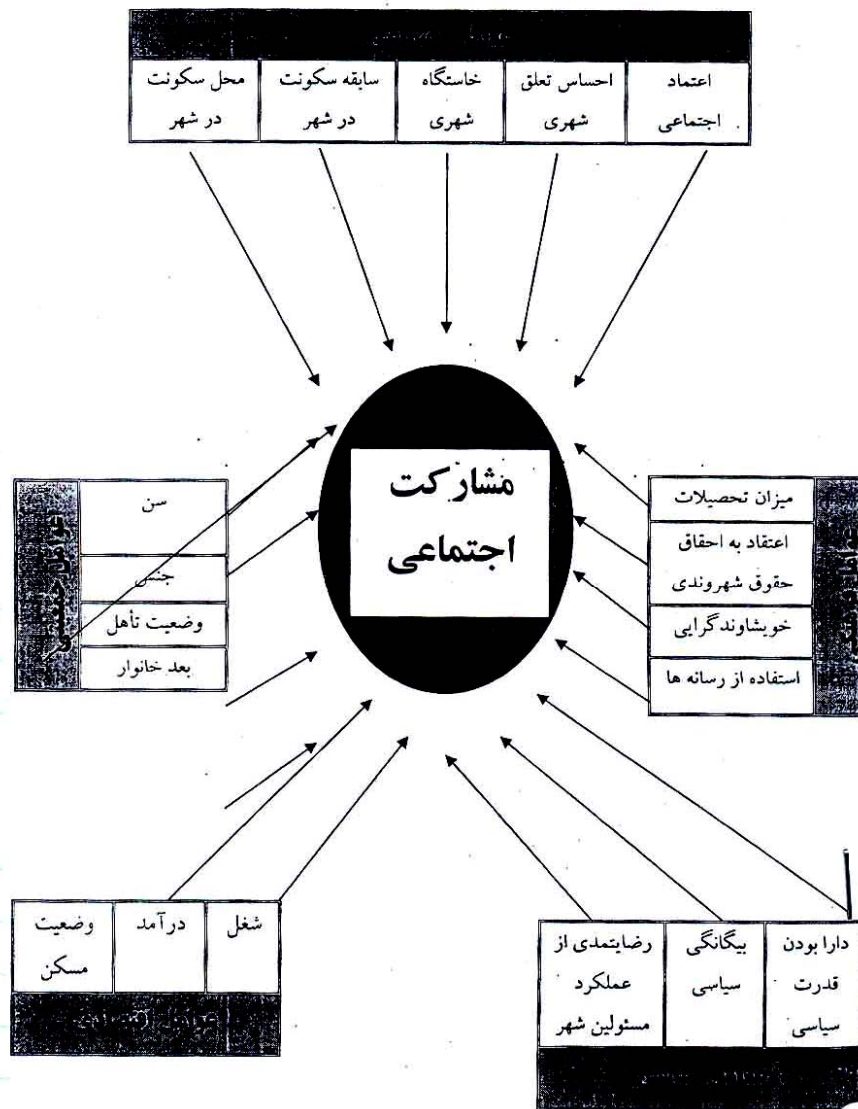
¹ Klenderman

² Giddens

فرضیات تحقیق

- | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> - هر چه سن افزایش می‌یابد، میزان مشارکت اجتماعی افراد در شهر بیشتر می‌شود. - مردان از زنان مشارکت اجتماعی بیشتری دارند. - افراد متأهل از افراد مجرد مشارکت اجتماعی بیشتری دارند. - هر چقدر بعد خانواده افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی افراد بیشتر می‌شود. | عوامل
جمعیتی |
| <ul style="list-style-type: none"> - افراد شاغل از افراد غیرشاغل مشارکت اجتماعی بیشتری دارند. - هر چقدر میزان درآمد افراد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنها بیشتر می‌شود. - بین وضعیت مسکن و میزان مشارکت اجتماعی افراد در شهر رابطه‌ای معنادار وجود دارد. | عوامل
اقتصادی |
| <ul style="list-style-type: none"> - هر چه اعتماد اجتماعی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. - هر چه افراد سابقه‌ی سکونت بیشتری در شهر داشته باشند، از میزان مشارکت اجتماعی بیشتری برخوردارند. - افرادی که خاستگاه شهری (محل تولد) آنان شهر باشد، میزان مشارکت اجتماعی بیشتری دارند. - هر چه افراد از احساس تعلق شهری بیشتری برخوردار باشند، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. | عوامل
اجتماعی |
| <ul style="list-style-type: none"> - هر چه افراد از قدرت سیاسی بیشتری برخوردار باشند، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. - هر چه بیگانگی سیاسی افراد کاهش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. - هر چه افراد از عملکرد مسؤولان شهر رضایت بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. | عوامل
سیاسی |
| <ul style="list-style-type: none"> - هر اندازه میزان تحصیلات افراد افزایش یابد، مشارکت اجتماعی آنها بیشتر می‌شود. - هر چه افراد بیشتر احساس کنند که حقوق شهروندی آنان محقق می‌شود، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. - هر چه خویشاوندگرایی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. - هر چه افراد از رسانه‌های جمعی بیشتر استفاده کنند، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. | عوامل
فرهنگی |

- مدل علی تحقیق :



جدول شماره ۱- تعاریف عملیاتی متغیرهای وابسته و مستقل

مفهوم	ابعاد	شاخص
مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته)	شرکت در فعالیت‌ها و دخالت در تصمیم‌گیری	فعالیت فرهنگی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی، فعالیت اقتصادی، دخالت از طریق نامه‌نگاری، ارتباط با مسئولان، دعوت دیگران، مسؤولیت‌پذیری
متغیر مستقل	-	
دارا بودن قدرت سیاسی	-	ارتباط فکری با مسئولان، فعالیت در حزب سیاسی، داشتن آشنایان صاحب منصب سیاسی
بیگانگی سیاسی	-	میزان دلزدگی افراد از سیاست و امور سیاسی
رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهر	-	میزان رضایتمندی افراد از شهرداری
اعتماد اجتماعی	-	میزان اعتماد افراد نسبت به افراد، ارگان‌ها و سازمان‌های اجتماعی
احساس تعلق شهری	-	مفتخر بودن و احساس تعلق داشتن به شهر خود
اعتماد به حقوق شهروندی	-	آزادی درانتخاب محل سکونت، آزادی بیان، آزادی انتخاب مذهب، شرکت در انتخابات، برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی و درمانی
خویشاوندگرایی	-	میزان وابستگی فرد به خویشاوندان و آشنایان
استفاده از رسانه‌های گروهی	-	رادیو و تلویزیون داخلی، روزنامه و مطبوعات، اینترنت، کتاب

روش تحقیق

جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله در این شهر ۵۹۸۳۰ نفر بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

حجم نمونه: با استفاده از فرمول کوکران محاسبه

شد:

روش تحقیق پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

پرسشنامه بوده است.

جامعه‌ی آماری افراد بین ۱۸ تا ۶۵ ساله‌ی ساکن

شهر مرودشت هستند و طبق سرشماری سال ۱۳۸۵

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}}$$

$$n = \frac{\frac{1.96^2 (0.5)(0.5)}{(0.5)^2}}{1 + \frac{1}{5983 \cdot \left(\frac{1.96^2 (0.5)(0.5)}{(0.5)^2} - 1 \right)}} = 384$$

$$n = 384$$

شیوهی نمونه‌گیری

با توجه به حجم نمونه ۳۸۴ نفر، برای تکمیل پرسشنامه به درب منازل مراجعه و شیوهی نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انجام شد. شهر به مناطق بزرگ تقسیم شد و از درون مناطق بزرگ، مناطق کوچک انتخاب شدند و در درون مناطق کوچک به طور تصادفی نمونه‌گیری شد. می‌توان یک نمونه را انتخاب کرد و دقت برآورد مورد نظر را افزایش داد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۶: ۱۸۶).

بر این اساس، شهر مرودشت به ۶ منطقه از نظر پایگاه اقتصادی مرفه، متوسط و فقیرنشین تقسیم شد و هر یک از مناطق به طور تصادفی از چند بلوک انتخاب و از درون هر بلوک تعدادی خانوار به شیوهی تصادفی سیستماتیک نمونه‌گیری شدند و با آنها مصاحبه شده، پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. شایان ذکر است که با مشورت کارشناسان سازمان‌های شهرداری و فرمانداری و مطالعات مقدماتی تحقیق، تقسیم‌بندی شکل گرفته است.

برای محاسبه‌ی تعداد خانوار در هر منطقه، تعداد کل خانوارها تقسیم بر حجم جامعه‌ی آماری، ضربدر تعداد کل خانوارها در هر منطقه شد.

تعداد خانوار در خیابان‌های مسجدالرسول و اطراف

$$\frac{31298}{5983 \times 345} = 180$$

تعداد خانوار در شهرک معلم و اطراف آن

$$\frac{31298}{5983 \times 657} = 343$$

تعداد خانوار در محله‌های علی‌آباد و اطراف

$$\frac{31298}{5983 \times 1050} = 549$$

تعداد خانوارهای حاضر در هر بلوک بر تعداد نمونه‌ی مورد نظر در هر بلوک تقسیم شد و عددی که از این طریق حاصل گردید، فاصله‌ی هر نمونه را از نمونه‌ی بعدی مشخص کرد و در نتیجه، در خیابان‌های مسجدالرسول و اطراف تعداد ۶۵ پرسشنامه، شهرک معلم و اطراف ۱۲۳ پرسش‌نامه و محله‌های علی‌آباد و اطراف ۱۹۷ پرسشنامه (در مجموع ۳۸۵ پرسشنامه) تکمیل شد.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از استخراج داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای استخراج جداول فراوانی و از آماره‌های استنباطی برای بررسی فرضیه‌ها استفاده گردید.

بر این اساس، آماره‌های *t-test*، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون برای بررسی فرضیات به کار گرفته شدند.

روایی و پایایی

آزمون روایی برای این منظور که آیا ابزار سنجش تا چه اندازه همان چیزی را می‌سنجد که مقصود ماست، استفاده می‌شود (سرمد، ۱۳۷۶: ۱۷۰ و بیکر، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

به منظور بررسی روایی سؤال‌های پرسشنامه از روایی محتوایی از نوع صوری استفاده گردیده است.

پایایی ابزار سنجش، به این معنی است که در صورت تکرار آزمون به نتایج مشابهی در زمان مختلف می‌رسیم (همان، ۱۳۷۶: ۱۶۷).

از متداول‌ترین روش‌ها برای پایایی پرسشنامه محاسبه‌ی آلفای کرونباخ است که قابلیت پایایی بر اساس نسبت‌های واریانس‌های درونی آزمون محاسبه می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۵: ۶۳).

بر این مبنی پرسشنامه بین ۴۰ نفر در شهر مرودشت توزیع و تکمیل شد. پس از استخراج هماهنگی درونی گویه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مشخص می‌شود و گویه‌هایی که هماهنگی پایین با سایر گویه‌ها ندارند، حذف می‌شوند.

در جدول زیر قابلیت پایایی طیف‌ها با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ مشاهده می‌شود. برای سنجش متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) شانزده گویه در نظر گرفته شده بود که با بررسی میزان قابلیت پایایی متغیر وابسته ۰/۸۴۷ به دست آمد و در تحلیل از آن استفاده شد.

جدول شماره ۲- ضریب پایایی متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
قدرت سیاسی	۳	۰/۶۴۳
بیگانگی سیاسی	۴	۰/۷۵۴
رضایتمندی از عملکرد مسؤلان	۷	۰/۸۵۴
اعتماد اجتماعی	۶	۰/۷۲۹
احساس تعلق شهری	۴	۰/۶۱۱
احساس حقوق شهروندی	۷	۰/۷۴۶
خویشاوندگرایی	۲	۰/۶۷۲
استفاده از رسانه‌های جمعی	۳	۰/۶۷۷

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان

متغیر	درصد	فراوانی
جنسیت	زن	۳۸/۲
	مرد	۶۱/۸
تأهل	مجرد	۲۳/۶
	تأهل	۷۶/۴
اشتغال	شاغل	۶۶
	غیر شاغل	۳۴
محل تولد	شهر	۵۵/۱
	روستا	۴۴/۹
وضعیت مسکن	ملکی	۶۸/۸
	اجاره‌ای رهنی	۳۱/۲
ارتباط فکری با مسئولان	بله	۷۰/۶
	خیر	۲۹/۴
رسیدن به اهداف از طریق ارتباط با مسئولان	بله	۷۹
	خیر	۲۱
دوست و آشنای صاحب منصب	بله	۶۱/۳
	خیر	۳۸/۷

آمار توصیفی

از مجموع ۳۸۵ نفر نمونه‌ی آماری، ۱۲/۵ درصد پاسخ‌گویان کمتر از یک ساعت در هفته به تماشای برنامه‌های تلویزیون می‌پردازند؛ ۲۳/۹ درصد حدود ۱ تا ۲ ساعت و ۳۳ درصد نیز حدود ۳ تا ۵ ساعت و ۳۰/۴ درصد بیشتر از ۵ ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند و ۳ درصد نیز به این سوال پاسخ ندادند.

از مجموع ۳۸۵ نفر نمونه‌ی آماری، ۴۶/۶ درصد کمتر از یک ساعت از اینترنت در هفته استفاده می‌کنند، ۳۰/۹ درصد در حد یک تا دو ساعت، ۱۳ درصد در حد ۳ تا ۵ ساعت و ۶/۲ درصد بیشتر از ۵ ساعت از اینترنت استفاده می‌کنند.

از مجموع ۳۸۵ نفر نمونه‌ی آماری ۱۴ درصد کمتر از یک ساعت در هفته کتاب مطالعه می‌کنند، ۳۱/۲ درصد در حد ۱ تا ۲ ساعت، ۳۸/۷ درصد در حد ۳ تا ۵ ساعت و ۱۶/۱ درصد در حد بیشتر از ۵ ساعت در هفته به مطالعه‌ی کتاب‌های گوناگون می‌پردازند.

در مورد توصیف سن پاسخ‌گویان ۲۲/۳ درصد از پاسخ‌گویان ۱۸ تا ۲۵ سال، ۲۵/۷ درصد ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۱/۹ درصد ۳۶ تا ۴۵ سال و ۳/۱ درصد بیشتر از ۵۶ سال سن داشتند.

توصیف نمونه‌ی آماری براساس تعداد افراد خانواده، ۵/۵ درصد دو نفره، ۱۳/۸ درصد سه نفره، ۲۸/۶ درصد چهار نفره، ۲۸/۸ درصد پنج نفره و ۲۳/۴ درصد شش نفره و بیشتر هستند.

از مجموع ۳۸۵ نفر نمونه‌ی آماری، یک درصد افراد نمونه تحقیق بی‌سواد، ۱۲/۵ درصد سیکل، ۲۱/۳ درصد دیپلم، ۱۹/۲ درصد فوق دیپلم، ۴۰ درصد لیسانس و ۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند.

از مجموع ۳۸۵ نفر نمونه‌ی آماری، میزان درآمد ۷ درصد پاسخ‌گویان، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۲۳/۶ درصد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۲۳/۶ درصد بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۲۸/۱ درصد بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و ۱۲/۵ درصد ۵۰۰ هزار تومان و بیشتر است.

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی متغیرهای مستقل

متغیرها	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق
خسته از مباحث سیاسی	۹۸	۹۴	۱۲۰	۵۲	۲۱
بی‌توجهی به قانون	۴۴	۴۶	۸۱	۱۳۳	۸۱
بی‌فایده بودن امور سیاسی	۷۳	۷۶	۹۹	۱۰۱	۳۶
علاقه به اخبار سیاسی	۴۶	۵۸	۱۲۳	۹۴	۶۴
ارتباط مسئولان با شهروندان	۲۶	۷۸	۱۶۸	۸۹	۲۴
استفاده از نظریات شهروندان	۱۸	۸۵	۱۵۷	۱۰۸	۱۷
رعایت ضابطه در ارتباط با مردم	۲۳	۸۴	۱۵۳	۱۰۵	۲۰
برخورد منصفانه‌ی مسئولان شهرداری	۱۸	۶۴	۱۷۱	۱۱۱	۲۱
رسیدگی به امور شهری توسط مسئولان	۱۷	۸۵	۱۷۹	۹۰	۱۴
اختصاص عادلانه‌ی امکانات توسط شهرداری	۱۲	۷۵	۱۶۳	۱۱۸	۱۷
ارتباط مردمی سازنده	۱۵	۶۸	۲۰۱	۸۶	۱۳
اعتماد به همکاران	۱۲	۲۲	۱۲۶	۱۵۶	۶۹
اعتماد به مطبوعات	۱۸	۱۳۹	۱۷۲	۵۲	۴
اعتماد به دادگاه‌ها	۳۴	۱۵۲	۱۴۶	۴۶	۷
اعتماد به پلیس	۴۰	۱۷۶	۱۳۷	۳۰	۲
اعتماد به مراکز درمانی	۲۴	۱۷۸	۱۵۲	۲۸	۳
اعتماد به کسبه	۲۰	۱۴۱	۱۶۸	۴۶	۱۰
اعتماد به شهر مرودشت	۲۳	۲۸	۴۵	۱۵۲	۱۳۷
عدم تعلق به مرودشت	۱۲۸	۱۵۷	۴۵	۳۵	۲۰
انتخاب شهر دیگر برای سکونت	۵۷	۷۷	۷۶	۹۷	۷۸
معرفی خود به عنوان مرودشتی	۱۲	۲۵	۶۸	۱۵۰	۱۳۰
آزادی انتخاب مکان سکونت	۲۶	۳۰	۱۰۵	۱۵۸	۶۶
آزادی بیان	۴۶	۱۳۱	۱۲۴	۶۱	۲۳
آزادی انتخاب مذهب	۸۰	۱۳۹	۹۹	۴۷	۲۰
آزادی حق مالکیت	۵۱	۱۵۶	۱۴۵	۲۸	۵
حق دادرسی یکسان	۴۴	۱۳۲	۱۴۴	۵۶	۹
حق شرکت در انتخابات	۹۶	۱۶۴	۹۳	۲۶	۶
استفاده از امکانات درمانی	۲۴	۱۱۸	۱۵۸	۶۴	۲۱
وابستگی به اقوام	۵۴	۱۲۰	۱۱۴	۷۶	۲۱
اوقات فراغت	۶۳	۱۰۶	۱۱۷	۸۶	۱۳

جدول شماره ۵- آماره‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

متغیر	خطای استاندارد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
شاخص بیگانگی سیاسی	۰/۱۰۷۴۶	۱۲/۰۳۱	۳/۳۴۴	۱۱/۱۸۶	۴۳	۱۲۶	۱۶۶	۴۸	۲
شاخص رضایتمندی از عملکرد مسئولان	۰/۲۲۵	۲۰/۵۶	۴/۴۲	۱۹/۶۱	۱۵	۱۴۲	۱۹۴	۳۴	-
شاخص اعتماد اجتماعی	۰/۱۵۰۶	۲۰/۷۰	۲/۹۵۶	۸/۷۴۱	۳۲	۲۶۷	۸۵	۱	-
شاخص احساس تعلق شهری	۰/۱۰۰۷۶	۱۰/۸۶۴	۱/۹۷۷	۳/۹۰۸	۴	۶۳	۲۷۴	۳۴	-
شاخص احقاق حق شهروندی	۰/۱۹۲۶	۲۳/۲۴۴	۳/۷۷۹	۱۴/۲۸۳	۲۷	۲۴۱	۱۱۱	۶	-
شاخص خویشاوندی	۰/۰۹۵۶۵	۶/۵۹۷	۱/۸۷۶	۳/۵۲۲	۵۸	۱۴۶	۱۲۸	۴۸	۵
شاخص استفاده از رسانه‌های گروهی در هفته	۰/۰۸۸۶۹	۷/۱۳۵	۱/۷۴۰۲	۳/۰۲۸۵	۲۰	۲۲۵	-	۱۳۳	۷

اعتماد اجتماعی ۳۵/۱ درصد افراد نمونه کمتر از میانگین و ۵۲/۱ درصد افراد بیشتر از میانگین است.

میانگین نمره‌ی احساس تعلق شهری نیز در بازه‌ی ۱۰/۶۶۳۳۸ و ۱۱/۰۶۶۴۲ قرار دارد.

نمره‌ی احساس تعلق شهری ۲۰/۵ درصد افراد کمتر از میانگین و ۵۸/۳ درصد افراد بیشتر از میانگین است.

میانگین نمره‌ی احقاق حقوق شهروندی با احتمال ۹۵٪ در بازه‌ی ۲۲/۸۵۸۹۶ و ۲۳/۶۲۹۴۴ قرار دارد و نمره‌ی احقاق حق شهروندی ۴۰ درصد افراد نمونه کمتر از میانگین و ۵۰ درصد افراد بیشتر از میانگین است.

میانگین شاخص خویشاوندگرایی در بازه‌ی ۴/۶۸۴۴ و ۸/۵۱۰۴ قرار داشته، ۲۹/۵ درصد افراد نمونه کمتر از میانگین و ۵۳ درصد افراد بیشتر از میانگین است.

میانگین نمره‌ی بیگانگی سیاسی نمونه‌ی تحقیق ۱۲/۰۳۱ و انحراف از معیار ۳/۳۴۴ است. با استفاده از خطای استاندارد ۰/۱۷۰۴۶ میانگین محدوده نمره‌ی میانگین جامعه‌ی آماری را محاسبه نموده $\{۱۲/۰۳۱۲ \pm ۲(۰/۱۷۰۴۶)\}$ با احتمال ۹۵٪ میانگین بیگانگی سیاسی جامعه آماری این تحقیق در بازه‌ی ۱۲/۳۷۲۱۲، ۱۱/۶۹۰۲۸ قرار دارد.

نمره‌ی بیگانگی سیاسی ۴۶/۸ افراد نمونه کمتر از میانگین و ۴۳/۸ درصد افراد بیشتر از میانگین است. به ترتیب فوق، میانگین رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهرداری در بازه‌ی ۲۱/۰۱۵۰۴ و ۲۰/۱۱۲۱۶ قرار دارد و ۴۱ درصد رضایتمندی کمتر از میانگین و ۵۰/۸ افراد بیشتر از میانگین است.

شاخص و میانگین نمره‌ی اعتماد اجتماعی در بازه‌ی ۲۰/۳۹۹۹۴ و ۲۱/۰۲۶۶ قرار دارد. نمره‌ی

متغیر وابسته‌ی مشارکت اجتماعی با کمک طیف پنج قسمتی در نظر گرفته شد و با ۱۶ گویه جمع نمره‌های مشارکت اجتماعی هر فرد محاسبه و در تحلیل از آن استفاده شد. جدول زیر متغیر وابسته را توصیف می‌کند.

میانگین استفاده از رسانه‌های گروهی با احتمال ۹۵٪ در بازه‌ی ۵/۳۶۱۳ و ۸/۹۰۸۹ قرار داشته و ۳۴/۵ درصد افراد نمونه کمتر از میانگین و ۴۲/۲ درصد افراد بیشتر از میانگین است.

توصیف متغیر وابسته

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی)

هرگز	به ندرت	گاهی اوقات	بیشتر مواقع	همیشه	معرف‌های متغیر وابسته
۴۳	۱۱۷	۱۲۸	۶۷	۳۰	میزان مشارکت در نماز جمعه
۱۵	۴۵	۹۶	۱۶۲	۶۷	میزان شرکت در مراسم مذهبی
۶۷	۱۳۱	۱۴۵	۳۲	۱۰	میزان شرکت در بحث در مکان‌های عمومی
۹۳	۱۱۵	۱۲۷	۳۶	۱۴	میزان شرکت در جلسات حل مسائل
۱۹	۳۰	۱۶۳	۱۳۰	۴۳	میزان کمک به نیازمندان
۱۰۲	۱۲۸	۱۱۸	۲۸	۹	نوشتن نامه و پیشنهاد به شورای شهر
۱۳۱	۱۰۹	۱۱۰	۲۷	۸	میزان برقراری ارتباط با مسئولان شهری
۲۱	۵۱	۱۲۴	۱۵۰	۳۹	احساس مسئولیت نسبت به حل مسائل
۳۳	۶۹	۱۵۰	۹۵	۳۸	شرکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه
۲۸	۳۴	۱۰۱	۱۱۴	۱۰۸	شرکت در مسائل صرفه‌جویی آب و برق
۱۰۷	۱۱۲	۱۰۸	۴۷	۱۱	شرکت در اعتراض‌های جمعی
۷۰	۱۲۸	۱۳۱	۳۷	۱۹	دعوت دیگران به شرکت در مسائل شهری
۱۲	۴۷	۹۰	۱۰۷	۱۲۹	شرکت در انتخابات مختلف
۳۹	۱۲۵	۱۴۵	۵۸	۱۸	عضویت در کلوپ‌ها و سازمان‌های مختلف
۴۰	۱۳۷	۱۵۸	۳۸	۱۲	مشارکت در انجمن‌های علمی
۳۱	۱۳۴	۱۵۱	۵۴	۱۵	مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری

آمار استنباطی
تحلیل دو متغیره‌ها

جدول شماره ۷- ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و وابسته (مشارکت اجتماعی)

R	Sig	رابطه‌ی معنادار	متغیرهای مستقل
۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	وجود دارد	سن
۰/۰۹۷	۰/۰۵۸	وجود ندارد	تعداد افراد
۰/۱۴۲	۰/۰۰۵	وجود دارد	میزان تحصیلات
۰/۲۳۸	۰/۰۰۰	وجود دارد	میزان درآمد
۰/۰۹۸	۰/۷۵۴	وجود ندارد	سابقه‌ی سکونت در شهر
۰/۱۵۷	۰/۰۰۲	وجود دارد	احساس تعلق شهری
۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	وجود دارد	دارا بودن قدرت سیاسی
۰/۱۶۷	۰/۰۰۱	وجود دارد	بیگانگی سیاسی
۰/۱۱۶	۰/۰۲۳	وجود دارد	رضایتمندی از عملکرد
-	۰/۰۸۳	وجود ندارد	اعتماد اجتماعی
۰/۱۳۳	۰/۰۰۹	وجود دارند	احقاق حقوق شهروندی
-	۰/۱۱۸	وجود ندارد	خویشاوندگرایی
۰/۱۳۲	۰/۰۱۰	وجود دارد	رسانه‌های گروهی

در مورد متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش اسمی بوده‌اند، از میانگین و آزمون t استفاده شد. در جدول زیر میانگین‌ها، تعداد و درجه‌ی آزادی، مقدار t و سطح معناداری نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۸- آزمون t برای رابطه‌ی متغیرهای مستقل اسمی با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی)

رابطه‌ی معنادار	df	Sig	t	Mean	N	متغیرهای مستقل
وجود دارد	۳۸۳	۰/۰۰۱	-۳/۳۵۱	۴۳/۹۵۹۲	۱۴۷	زن
				۴۶/۸۶۱۳	۲۳۸	مرد
وجود دارد	۳۸۳	۰/۰۴۲	-۲/۰۳۸	۴۴/۱۹۷۸	۹۱	مجرد
				۴۶/۲۳۴۷	۲۹۴	متاهل
وجود دارد	۳۸۳	۰/۰۰۰	۴/۱۵۸	۴۷	۲۵۴	شاغل
				۴۳/۳۳	۱۳۱	غیر شاغل
وجود دارد	۳۸۳	۰/۰۰۶	۲/۷۵	۴۶/۵۳	۲۶۵	ملکی
				۴۴/۰۲	۱۲۰	رهنی اجاره‌ای
وجود ندارد	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۵/۲۱۲	۴۳/۸۱۱	۲۱۲	شهر
				۴۸/۱۳۲	۱۷۳	روستا

تحلیل چند متغیره

می‌کوشد واریانس متغیر وابسته را توضیح دهد و با مشارکت دادن دو یا چند متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته مشخص می‌شود (کرلینجر، ۱۳۸۴: ۱۲). در جدول زیر مشخصات تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داده می‌شود:

در تحلیل چند متغیره به دنبال این هستیم که با اضافه کردن متغیرهای مستقل بیشتر، چه میزان مشارکت اجتماعی بهبود می‌یابد. در بین متغیرهای مستقل، کدام یک بیشتر تأثیرگذار است و در این روش نه تنها مجذورات میانگین مجذورات و نسبت‌های F محاسبه می‌شود، بلکه تحلیل چند متغیره‌ی رگرسیون،

جدول شماره ۹- تحلیل رگرسیون چند متغیره

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R		
۸/۱۳۴۳۲	۰/۰۵۴	۰/۰۵۷	۰/۲۳۸	1	Model
۷/۹۷۱۶۱	۰/۰۹۲	۰/۰۹۷	۰/۳۱۱	2	
۷/۹۱۲۸۴	۰/۱۰۵	۰/۱۱۲	۰/۳۳۵	3	
۷/۸۷۷۳۶	۰/۱۱۳	۰/۱۲۲	۰/۳۵۰	4	
۷/۸۴۳۶۷	۰/۱۲۱	۰/۱۳۲	۰/۳۶۴	5	

که ۱۳/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) توسط متغیرهای مستقل درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی توضیح داده شده‌اند و درآمد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است و در مرتبه‌ی دوم دارا بودن قدرت سیاسی است که موجب افزایش ۹/۷ درصدی شده است و به ترتیب، متغیرهای بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی وارد تحلیل مدل شده‌اند.

۱- درآمد؛

۲- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی؛

۳- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی؛

۴- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری؛

۵- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی.

ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته برابر ۰/۳۶۴ و ضریب تعیین ۰/۱۳۲ است؛ بدین معنی

جدول شماره ۱۰- آنالیز واریانس ضرایب رگرسیون چند متغیره

Sig.	f	Mean square	df	Sum of squares		Model
۰/۰۰۰	۲۳/۰۵۵	۱۵۲۵/۵۱۶	۱	۱۵۲۵/۵۱۶	Regression	۱
		۶۶/۱۶۷	۳۸۳	۲۵۳۴۲/۰۴۲	Residual	
			۳۸۴	۲۶۸۶۷/۵۵۸	Total	
۰/۰۰۰	۲۰/۴۰۱	۱۲۹۶/۳۸۷	۲	۲۵۹۲/۷۷۴	Regression	۲
		۶۳/۵۴۷	۳۸۲	۲۴۲۷۴/۷۸۴	Residual	
			۳۸۴	۲۶۸۶۷/۵۵۸	Total	
۰/۰۰۰	۱۶/۰۳۵	۱۰۰۴/۰۰۶	۳	۳۰۱۲/۰۱۷	Regression	۳
		۶۲/۶۱۳	۳۸۱	۲۳۸۵۵/۵۴۱	Residual	
			۳۸۴	۲۶۸۶۷/۵۵۸	Total	
۰/۰۰۰	۱۳/۲۴۵	۸۲۱/۸۷۶	۴	۳۲۸۷/۵۰۴	Regression	۴
		۶۲/۰۵۳	۳۸۰	۲۳۵۸۰/۰۵۵	Residual	
			۳۸۴	۲۶۸۶۷/۵۵۸	Total	
۰/۰۰۰	۱۱/۵۴۱	۷۱۰/۰۵۸	۵	۳۵۵۰/۲۸۹	Regression	۵
		۶۱/۵۲۳	۳۷۹	۲۳۳۱۷/۲۷۰	Residual	
			۳۸۴	۲۶۸۶۷/۵۵۸	Total	

با توجه به جدول فوق که سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار F به دست آمده ۱۱/۵۴۱ است، می توان نتیجه گرفت این مدل برای متغیرهائی که وارد معادله شده اند، با احتمال ۹۵٪ معنادار است. اینکه چگونه متغیرها بر متغیر وابسته تأثیرگذار بوده اند، با استفاده از آزمون t در جدول زیر مشاهده می شود.

- ۱- درآمد؛
- ۲- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی؛
- ۳- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی؛
- ۴- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری؛
- ۵- درآمد، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و رسانه های گروهی.

جدول شماره ۱۱- ضرایب رگرسیونی (b) و ضرایب استاندارد شده Beta در رگرسیون چند متغیره

Sig.	t	Standardized coefficients		Unstandardized coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B		
۰/۰۰۰	۴/۳۶۶		۱/۰۲۳	۴۱/۲۶۰	(constant)	۱
۰/۰۰۰	۴/۸۰۲	۰/۲۳۸	۰/۳۱۲	۱/۴۹۹	درآمد	
۰/۰۰۰	۱۸/۱۸۲		۱/۹۰۴	۳۴/۶۲۶	(constant)	۲
۰/۰۰۰	۴/۴۷۳	۰/۲۱۹	۰/۳۰۷	۱/۳۷۵	درآمد	
۰/۰۰۰	۴/۰۹۸	۰/۲۰۰	۰/۴۱۸	۱/۷۱۴	دارا بودن قدرت سیاسی	۳
۰/۰۰۰	۱۵/۲۷۸		۲/۵۵۸	۳۹/۰۸۷	(constant)	
۰/۰۰۰	۴/۲۸۶	۰/۲۰۹	۰/۳۰۶	۱/۳۱۲	درآمد	۴
۰/۰۰۰	۳/۸۲۶	۰/۱۸۷	۰/۴۱۷	۱/۵۹۷	دارا بودن قدرت سیاسی	
۰/۰۱۰	-۲/۵۸۸	-۰/۱۲۶	۰/۱۲۲	-۰/۳۱۶	بیگانگی سیاسی	۵
۰/۰۰۰	۱۲/۰۰۷		۲/۹۸۳	۳۵/۸۱۵	(constant)	
۰/۰۰۰	۳/۸۰۹	۰/۱۸۸	۰/۳۱۱	۱/۱۸۴	درآمد	۶
۰/۰۰۰	۳/۷۸۹	۰/۱۸۴	۰/۴۱۶	۱/۵۷۵	دارا بودن قدرت سیاسی	
۰/۰۱۲	-۲/۵۲۵	-۰/۱۲۳	۰/۱۲۱	-۰/۳۰۷	بیگانگی سیاسی	۷
۰/۰۳۶	۲/۱۰۷	۰/۱۰۴	۰/۱۱۸	۰/۲۴۹	احساس تعلق شهری	
۰/۰۰۰	۹/۳۹۲		۳/۴۳۴	۳۲/۲۵۳	(constant)	۸
۰/۰۰۰	۳/۶۳۶	۰/۱۸۰	۰/۰۳۱۱	۱/۱۲۹	درآمد	
۰/۰۰۰	۳/۷۶۲	۰/۱۸۲	۰/۴۱۴	۱/۵۵۷	دارا بودن قدرت سیاسی	۹
۰/۰۱۹	-۲/۳۵۵	-۰/۱۱۴	۰/۰۱۲۱	-۰/۲۸۶	بیگانگی سیاسی	
۰/۰۲۹	۲/۱۸۸	۰/۱۰۷	۰/۱۱۸	۰/۲۵۸	احساس تعلق شهری	۱۰
۰/۰۳۹	۲/۰۶۷	۰/۱۰۰	۰/۲۳۲	۰/۴۷۹	رسانه‌های گروهی	

۱- متغیر مستقل درآمد با ضریب همبستگی ۰/۱۸۰، به طوری که به ازای هر واحد افزایش درآمد مشارکت اجتماعی ۰/۱۸۰ افزایش می‌یابد.

۲- قدرت سیاسی با ضریب همبستگی ۰/۱۸۲ تأثیرگذار است؛ به طوری که به ازای هر واحد افزایش

در جدول فوق ضرایب B و Beta و آزمون t در سطح معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل نشان داده شده‌اند. ضریب Beta اثر خالص را نشان می‌دهد. بنابراین، متغیرهایی که دارای سطح معنی‌داری بوده‌اند، به شرح ذیل هستند:

تحلیل مسیر

برای آزمون مدل‌های علی از تحلیل مسیر استفاده می‌شود. در این مسیر ضریب مسیر که همان بتا (Beta) است، مقدار اثر هر متغیر را تعیین می‌کند. علاوه بر آن، تحلیل مسیر تأثیرات متغیرها را بر هم مشخص می‌کند و به این وسیله مستقیم یا غیرمستقیم بودن معلوم می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۲۲۲).

با توجه به تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، ضریب بتا را مورد توجه قرار داده، بیشترین ضریب بتا به عنوان متغیر وابسته در مرحله‌ی بعدی وارد سیستم می‌شود تا تأثیر متغیرهای مستقل روی آن محاسبه شود و از این مرحله، متغیر وابسته کنار گذاشته شده، تنها متغیرهای مستقل به ترتیب و با توجه به ضریب بتا به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند، تا رابطه‌ی علی بین آنها روشن شود. در جدول زیر ضرایب همبستگی تحلیل مسیر با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) نشان داده می‌شود و متغیرهای ذیل دارای ضریب همبستگی ۰/۳۶۴ و ضریب تعیین ۰/۱۳۲ با متغیر وابسته هستند.

در قدرت سیاسی مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۱۸۲ افزایش می‌یابد.

۳- بیگانگی سیاسی، ضریب همبستگی ۰/۱۱۴-، تأثیرگذار است؛ یعنی با افزایش یک واحد بیگانگی، مقدار ۰/۱۱۴- واحد مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

۴- احساس تعلق شهری با ضریب همبستگی ۰/۱۰۷، تأثیرگذار است؛ یعنی هر واحد افزایش تعلق شهری، سبب می‌شود مشارکت اجتماعی به اندازه‌ی ۰/۱۰۷ واحد افزایش یابد.

۵- رسانه‌های گروهی با ضریب همبستگی ۰/۱۰۰، تأثیرگذار است؛ به این معنی که به ازای هر واحد افزایش در میزان استفاده از رسانه‌های گروهی، مشارکت اجتماعی به اندازه‌ی ۰/۱۰۰ واحد افزایش می‌یابد.

با توجه به توضیحات فوق، معادله‌ی رگرسیونی چند متغیره به شرح زیر است:

+ (بیگانگی سیاسی) ۰/۱۱۴- (دارا بودن قدرت سیاسی) ۰/۱۸۲+ (درآمد) ۰/۱۸۰ = مشارکت اجتماعی (استفاده از رسانه‌های گروهی) ۰/۱۰۰+ (احساس تعلق شهری) ۰/۱۰۷

جدول شماره ۱۲- تحلیل مسیر (اثر مستقیم متغیرهای مستقل)

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R		
۸/۱۴۴۳۲	۰/۵۴	۰/۵۷	۰/۲۳۸	درآمد	۱
۷/۹۷۱۶۱	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۳۱۱	درآمد، قدرت سیاسی	۲
۷/۹۱۲۸۴	۰/۱۰۵	۰/۱۱۲	۰/۳۳۵	درآمد، قدرت سیاسی و بیگانگی سیاسی	۳
۷/۸۷۷۳۶	۰/۱۱۳	۰/۱۲۲	۰/۳۵۰	درآمد، قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری	۴
۷/۸۴۳۶۷	۰/۱۲۱	۰/۱۳۲	۰/۳۶۴	درآمد، قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی	۵

در مرحله‌ی اول تحلیل مسیر تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل درآمد و دارا بودن قدرت سیاسی را بر متغیر مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد و چون بین دو متغیر فوق، متغیر درآمد ضریب بتای بیشتری (۰/۱۸۰) دارد، به‌عنوان متغیر وابسته‌ی بعدی در نظر گرفته می‌شود و قدرت سیاسی دارای ضریب بتای

۰/۱۸۲ که در رابطه با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) در نظر گرفته شد، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. جدول زیر تحلیل واریانس با متغیر وابسته (قدرت سیاسی) را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳- آنالیز واریانس با متغیر وابسته (دارا بودن قدرت سیاسی) و متغیر مستقل بیگانگی سیاسی

Sig	F	Mean Square	dt	Sum of Squares			
۰/۰۲۳(a)	۵/۱۸۱	۴/۸۹۹	۱	۴/۸۹۹	Regression	۱	Model
		۰/۹۴۵	۳۸۳	۳۶۲/۰۹۹	Residual		
			۳۸۴	۳۶۶/۹۹۷	Total		

جدول زیر ضرایب رگرسیونی (B) و (Beta) در

رگرسیون با متغیر وابسته (دارا بودن قدرت سیاسی) را نشان می‌دهد.

۱- بیگانگی سیاسی؛

۲- دارا بودن قدرت سیاسی؛

جدول شماره ۱۴- ضرایب رگرسیونی (B) و Beta در رگرسیون با متغیر وابسته (دارا بودن قدرت سیاسی) و متغیر مستقل

بیگانگی سیاسی

Sig.	t	Standardized coefficients	Unstandardized Coefficients				
		Beta	Std.Error	B			
۰/۰۰۰	۲۴/۲۶۴		۰/۱۸۵	۴/۴۹۵	(Constant)	۱	Model
۰/۰۲۳	-۲/۲۷۶	-۰/۱۱۶	۰/۰۱۵	-۰/۰۳۴	(بیگانگی سیاسی)	۱	

سیاسی به شرح ذیل است. جدول زیر ضرایب رگرسیونی B و Beta در رگرسیون با متغیر وابسته (بیگانگی سیاسی) را نشان می‌دهد.

در این مرحله، تأثیر متغیر مستقل بیگانگی سیاسی بر متغیر وابسته‌ی دارا بودن قدرت سیاسی نشان داده می‌شود. ضریب بتای متغیر مستقل بیگانگی سیاسی (۰/۱۱۶) در رابطه با متغیر وابسته‌ی دارا بودن قدرت

جدول شماره ۱۵- ضرایب رگرسیونی (B) و (Beta) در رگرسیون با متغیر وابسته (بیگانگی سیاسی) و متغیرهای مستقل احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی

Sig.	t	Standardized coefficients	Unstandardized Coefficients				
		Beta	Std.Error	B			
۰/۰۰۰	۱۳/۸۱۵		۱/۰۲۰	۱۴/۰۸۹	(Constant)	۱	Model
۰/۰۳۲	-۱/۱۰۰	-۰/۰۵۶	۰/۰۴۹	-۰/۰۵۴	احساس تعلق شهری	۱	
۰/۰۴۹	-۱/۸۲۳	-۰/۰۹۳	۰/۰۹۸	-۰/۱۷۸	رسانه‌های گروهی		

۴- در مرحله‌ی چهارم: متغیر وابسته‌ی بیگانگی سیاسی با احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی دارای همبستگی معناداری هستند و در نتیجه، متغیرهای فوق دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم بوده، هر اندازه بیگانگی سیاسی کم شود، به همان اندازه قدرت سیاسی، احساس تعلق شهری و استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد. در نهایت، دیاگرام تحلیل مسیر به شکل زیر ترسیم می‌شود.

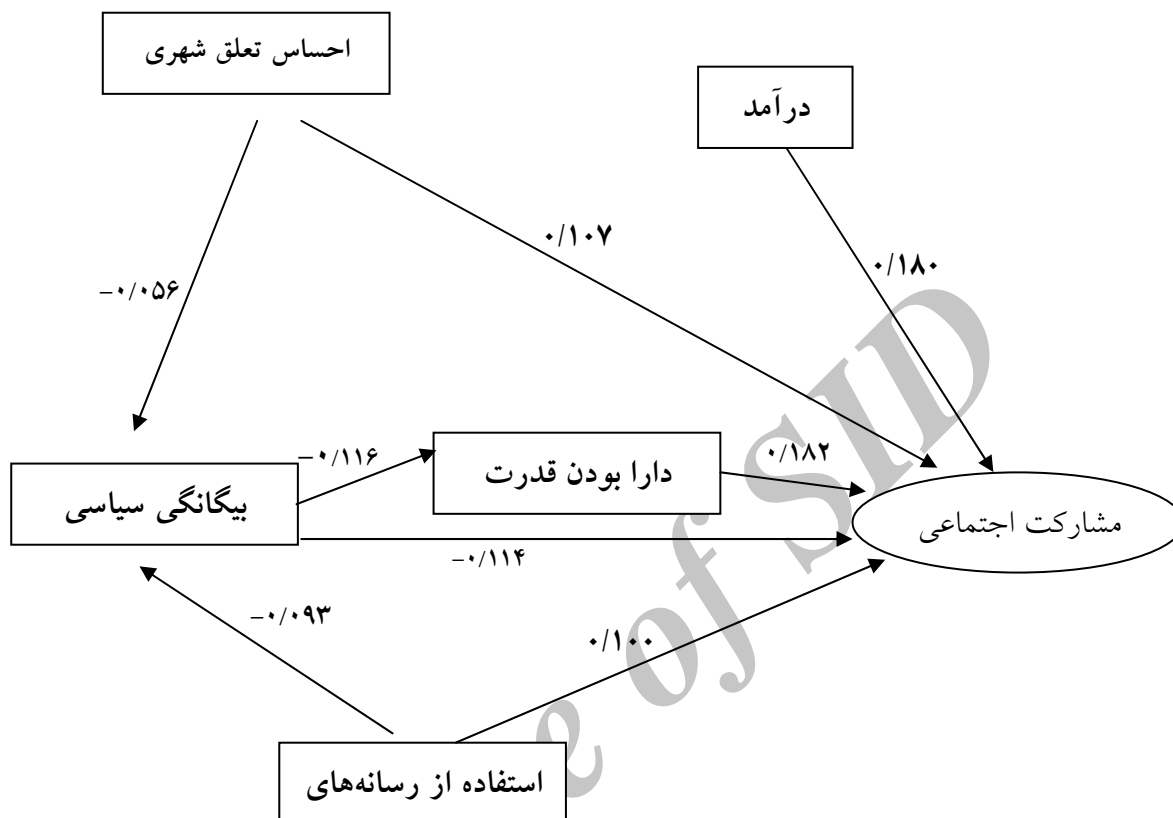
جدول فوق تأثیر متغیرهای مستقل احساس تعلق شهری و رسانه‌های گروهی بر متغیر وابسته‌ی بیگانگی سیاسی را نشان می‌دهد. ضریب بتای احساس تعلق شهری $-۰/۰۵۶$ و رسانه‌های گروهی $-۰/۰۹۳$ است. در نتیجه، مراحل تحلیل مسیر به شرح ذیل است:

۱- مرحله‌ی اول: متغیر وابسته اصلی (مشارکت اجتماعی) با متغیرهای درآمد و دارا بودن قدرت سیاسی دارای همبستگی معناداری هستند.

۲- در مرحله‌ی دوم: متغیر وابسته‌ی درآمد با متغیر احساس تعلق شهری دارای همبستگی معنادار هستند.

۳- در مرحله‌ی سوم: متغیر وابسته‌ی دارا بودن قدرت سیاسی با متغیر بیگانگی سیاسی دارای همبستگی معنی‌دار هستند.

دیاگرام تحلیل مسیر



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از میان فرضیات مختلف در تحلیل‌های دو متغیره‌ها، تأثیرات متغیره‌های مستقل زیر بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) چنین نتیجه‌گیری شد:

✓ هر چه سن افراد بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی در امور شهری بیشتر خواهد شد.

✓ میزان مشارکت مردان در امور شهری بیشتر از زنان است.

✓ افراد متأهل مشارکت بیشتری در مقایسه با مجردان دارند.

✓ شهروندان شاغل بیشتر از شهروندان غیرشاعل در امور شهری مشارکت دارند.

✓ بین سطح تحصیلات و مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان مشارکت افراد با تحصیلات بالاتر، از افراد با سطح تحصیلات پایین بیشتر است.

✓ شهروندانی که دارای مسکن ملکی هستند، در مقایسه با افرادی که مسکن اجاره‌ای یا رهنی دارند، مشارکت بیشتری دارند.

✓ افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند، در مقایسه با افراد کم درآمدتر، مشارکت اجتماعی بیشتری دارند.

۷ بین درآمد و مشارکت اجتماعی، ضریب همبستگی ۰/۱۸۰ است؛ یعنی به ازای هر واحد افزایش درآمد، مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۱۸۰ واحد افزایش می‌یابد.

۷ در بررسی تأثیر دارا بودن قدرت سیاسی مشارکت اجتماعی مشخص شد که ضریب همبستگی بین آنها ۰/۱۸۲ است؛ یعنی به ازای هر واحد افزایش در قدرت سیاسی، مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۱۸۲ واحد افزایش می‌یابد.

۷ در بررسی تأثیر بیگانگی سیاسی بر مشارکت اجتماعی، ضریب همبستگی بین بیگانگی سیاسی و مشارکت اجتماعی ۰/۱۱۴- است؛ یعنی با افزایش یک واحد بیگانگی سیاسی، مقدار ۰/۱۱۴- واحد مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

۷ بین متغیر احساس تعلق شهری و مشارکت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۱۰۷، این نتیجه به دست آمد که به ازای هر واحد افزایش در احساس تعلق شهری، مشارکت اجتماعی به همان اندازه افزایش می‌یابد.

۷ بین رابطه‌ی استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت اجتماعی، ضریب همبستگی ۰/۱۰۰ وجود دارد؛ به این معنی که به ازای هر واحد افزایش در میزان استفاده از رسانه‌های گروهی، مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۱۰۰ افزایش می‌یابد.

در نهایت، هر اندازه درآمد، قدرت سیاسی، احساس تعلق شهری و استفاده از رسانه‌های گروهی در بین پاسخ‌گویان افزایش یابد، مشارکت اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت و هر اندازه بیگانگی سیاسی

۷ در مورد افرادی که احساس تعلق شهری بیشتری دارند، میزان مشارکت آنها نیز در امور شهری بیشتر می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس تعلق شهری در بین شهروندان ضعیف است و زندگی شهری سبب افزایش منافع فردی در مقابل منافع عمومی می‌شود.

۷ میزان مشارکت اجتماعی در میان شهروندانی که توانایی اثرگذاری بر روند تصمیم‌گیری در امور سیاسی را دارند، بیشتر است و بین این دو رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۷ هر اندازه سرخوردگی و بیگانگی سیاسی در پاسخ‌گویان کاهش یابد، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد و بین این دو رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۷ در بین پاسخ‌گویان هر اندازه میزان احقاق حقوق شهروندی افزایش یابد، به همان اندازه مشارکت اجتماعی بالا می‌رود و رابطه‌ای مثبت بین این دو وجود دارد.

این تحقیق نشان داد که هر اندازه شهروندان بیشتر از رسانه‌های جمعی استفاده کنند، میزان مشارکت اجتماعی آنان بیشتر خواهد شد.

در تحلیل چند متغیره با استفاده از آزمون رگرسیون، از مجموع متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، متغیرهای درآمد و دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و میزان استفاده از رسانه‌های گروهی بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) قابل تعمیم به جامعه هستند. با توجه به ضرایب مدل رگرسیونی چند متغیره نتایج ذیل به دست آمد:

- ۴- دری نوگورانی، حسین. (۱۳۶۹). مفهوم مشارکت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق. صادق.
- ۵- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ۶- رزاقی، مهرباب. (۱۳۷۵). مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما، نشریه‌ی نقد و نظر.
- ۷- رسول‌زاده، بهزاد، صبحانعلی، فروزنده. (۱۳۸۰). بررسی علل کاهش مشارکت مردم استان اردبیل، استانداری اردبیل.
- ۸- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). "مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۱۰.
- ۹- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). "نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر"، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۰- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۱). "دایره‌المعارف علوم اجتماعی"، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۱- ———. (۱۳۷۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۳- سیف‌زاده، حسن. (۱۳۷۴). "نظریه‌های مختلف درباره‌ی راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی‌های سیاسی"، تهران: انتشارات قومس.
- ۱۴- شفیعی، شفیعی. (۱۳۸۵). "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل"، مجله‌ی اینترنتی فصل نو، سال دوم، ش ۵۰.

افزایش می‌یابد، در نتیجه مشارکت اجتماعی کاهش خواهد یافت.

پیشنهاد می‌شود برای افزایش مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در برخی از امور شهری به مردم واگذار شود و به پیشنهادها و نظرهای شهروندان در اداره‌ی امور شهر به منظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری در میان آنها، اهمیت داده شود. تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد کشورهای در امر مشارکت موفق بوده‌اند که گروه‌های همیار در سطح محل تشکیل داده‌اند. همچنین، عضویت در تشکل‌های غیر دولتی، نهادهای مردمی و سازمان‌های صنفی، عاملی در افزایش مشارکت مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، افزایش اعتماد اجتماعی به این افراد و نسبت به نهادهای دولت‌ها و بالعکس سبب افزایش و توسعه‌ی مشارکت‌های اجتماعی خواهد شد، بنابراین، پیشنهاد می‌شود تشویق به فعالیت‌های جمعی و گروهی از طرف مسئولان و تمرکز بر آموزش‌های گروهی به جای آموزش فردی اهمیت داده شود.

منابع

- ۱- احسن، کاظم. (۱۳۶۵). تحلیل مقدماتی از طرح مقوله‌ی مشارکت. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- بیرو، آلن. (۱۹۹۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۳- بیکر، ترزال. (۱۳۷۷). نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: انتشارات روشن.

۲۵- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی"، بررسی رابطه‌ی میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی، نامه‌ی پژوهش، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، ش یک.

۲۶- محمدزاده، عباس. (۱۳۶۹). "پارامترها و ابعاد جامعیت ساختار نظام مشارکت در تصمیم‌گیری در اقتصاد مدیریت"، ش ۶، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، پاییز ۶۹.

۲۷- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

28- Bahry, D.B.Silver (1993) Soviet Citizenship Participation of The eve of democratization, American Political Science Review.

29- Conner, Patrik E. 1992, Decision - Making Particpation Paterns: The Role of Organizational Context, Academy of Management Journal .

30- Collins, Randall (1997). Theoretical Sociology. University of California, Riverside, Japur and New Delhi: RA WAT Publication.

31- Dalemans, R ; L , Witte; J, Lemmens; W , Heuverr (2008). "Measures for rating social participation in people with aphasia: a systematic review", Clinical Rehabilitation. No:22 PP: 542-555 .

32- Difravceisco, wayne, Gitelman, Z(1984): Soviet political culture and covert Participation, American Political Science, Review, 78.

33- Hamid, A (1996). "Public and Social Participation In Rural Indonesia: A Multi Theoritcal Approach". A Dissertation Submitted for The degree Doctor of Philosophy, Departmant of Sociology,

۱۵- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۰). "تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در لرستان"، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳، پائیز ۱۳۸۱.

۱۶- شیخاوندی، داور. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی و انحرافات*، تهران: مردیژه.

۱۷- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۵). *مشارکت در مدیریت و مالکیت*، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۸- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). "بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها"، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

۱۹- غفاری، غلامرضا و ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰). "بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان"، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، ش ۱۷، بهار و تابستان.

۲۰- فروم، اریش. (۱۳۶۰). *جامعه‌ی سالم*، ترجمه‌ی اکبر نیریزی، تهران: انتشارات بهجت.

۲۱- کرلینجر، فردان، پدهازور الازار جی. (۱۳۶۶). "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (جلد اول)"، حسن سرایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲۲- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، "جامعه‌شناسی"، منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.

۲۳- متن سخنرانی شجاعی، مشاور رئیس جمهور در مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان؛ جایگاه اشتغال زنان در توسعه انسانی، اسفند ۱۳۸۰، مرکز امور مشارکت زنان، چاپ اول ۱۳۸۱.

۲۴- مازلو، آبراهام. (۱۳۶۷). *روان‌شناسی شخصیت سالم*، ترجمه‌ی رویگریان، تهران: انتشارات گلشایی.

Anthropology and Social Work. Kansas State University. Reproduced with permission of the copyright owner. Further reproduction prohibited without permission.

34- Hoghe, M.(2003) , Participation in Voluntary associations and Valu indicators " The effect of current and Previous Participation experiences" , Nonprofit and Voluntary sector quarterly.

35- Inkeles , Alex (1969), Participation Citizenship in Sex Developing , American political Science Review.

36- Kelly, Cardin and sara Brenlinger (1996): The social psychology of collectire Action, Lonobn: Taylor and Francis.

37- McMillan, W. D., & Chavis, M. D. (1986). Sense of community: A definition and a theory. Journal ofCommunjty Psychology.

38- Rose, R(1999): gehing Things Done in an Anti modern society: social capital networks in Russia. In Dasyutpa serageldin.

39- Turner, Jonathan H. (2003). The Structure of Sociological Theory. University of California, Riverside, USA Wadsworth, a Division of Thompson Learning Inc.

40- Wandersman, A., & Florin, P. (2000). Citizen participation and community organizations. In J. Rappaport &E. Seidman (Eds.), Handbook of community psychology. New York:

41- Kluwer Academic/Plenum Publishers.

42- www.hamshahri.net

43- www.irandoc.ac.ir

44- www.iranPM.com